

تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر هویت ملی

مهديه يعقوبى پور*

چکیده:

پدیده جهانی شدن؛ در دهه ۱۹۹۰ به یکی از بحث‌انگیزترین مسائل پایان سده بیستم تبدیل شد. جهانی شدن معطوف به فرایندی است که در جریان آن فرد و جامعه در گستره جهانی با یکدیگر پیوند می‌خورند. این فرایند، هم اقتصادی است، هم سیاسی و هم فرهنگی.

جهانی شدن فرهنگی؛ عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی که باعث همگونی فرهنگی در جهان می‌شود و سه جنبه کلی؛ گسترش تجدد غربی، گسترش فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری و جهانی شدن فرهنگ آمریکایی را در پی دارد.

از عوامل فرهنگی، در جهانی شدن فرهنگ؛ می‌توان از رسانه‌ها نام برد. ارتباطات در دنیای امروز، تغییر بنیادی شدیدی را در جوامع سنتی پدید آورده است. انقلاب ارتباطات؛ بویژه شبکه اینترنت و امکانات ناشی از جهان، نه تنها ابعاد جدیدی به جهانی شدن داده، بلکه، در زمان و مکان، تغییراتی ایجاد کرده و زمان و مکان را به صفر نزدیک کرده است.

هویت ملی؛ مجموعه‌ای از گرایشها و نگرشهای مثبت نسبت به عوامل و عناصر الگوهای هویت بخش و یکپارچه کننده در سطح یک کشور، به عنوان یک واحد سیاسی است؛ که شامل ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و دینی است.

در این پژوهش؛ تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر بُعد سیاسی (حاکمیت ملی) و بُعد اجتماعی (قومیت) هویت ملی بررسی می‌شود.

آغاز سخن

چه اندازه در کاهش یا افزایش برخوردهای قومی سهم داشته، به بررسی می‌گذاریم.

جهانی شدن

دادن تعریف فراگیر و مورد پذیرش همگان برای جهانی شدن، به دلیل اختلاف دید میان پژوهشگران بر سر چستی آن، تا اندازه‌ی دشوار است.

وبر: نوسازی و نوگرایی را عواملی بسیار کارا در فرایند جهانی شدن می‌دانست.

مارکس: جهانی شدن فرایندی است که کمابیش، همزمان با شکل‌گیری سرمایه‌داری آغاز شده است.

پارسونز: جوامع در فرایند نوسازی همواره دگرگون می‌شوند و بخش‌پذیری ساختاری فزاینده‌ی آنها را دربرمی‌گیرد. اگر جوامع در راه دگرگونی مشترکی ره‌سپرنند، بهتر در یکدیگر آمیخته خواهند شد. این همان، فرایند جهانی شدن است.

گیلین: فرایند جهانی شدن را با فرایند کالایی شدن، همگام می‌داند و کالایی شدن را پیامد گریزناپذیر سامانه سرمایه‌داری می‌پندارد. (واترز، ۱۳۷۹، صص ۲۹-۱۳)

هاروی: به فشردگی زمان و فضا باور دارد. فشردگی زمان - فضا عبارت است از؛ کاهش زمان و کوچک شدن فضا، با آغاز فرایند فشردگی زمان - فضا، نطفه فرایند جهانی شدن هم بسته شد. (گل محمدی، ۱۳۸۱، صص ۴۶).

گیدنز: فرایند جهانی شدن را، دستاورد برهم خوردن نظم دیرینه فضا و زمان می‌داند. پیچیدگی و چندجانبه بودن جهانی شدن، در دیرینگی، تندی و فراگیر بودن آن نهفته است. بنابراین، جهانی شدن؛ به اندازه نواندیشی، پیشینه دارد. (گیدنز، ۱۳۸۴، صص ۳۶).

رولن رابرتسون: جهانی شدن، برداشتی است از فشردگی جهان و افزایش آگاهی از آن مانند یک کل. رابرتسون، فرایند جهانی شدن را تابع منطقی، مستقل و ناگزیر می‌داند.

این فرایند؛ به واسطه برخورد و ستیز پیش می‌رود و به همین دلیل، از وابستگی دوسویه فزاینده جهانی

جهانی شدن، پدیده‌ی است که به سرعت در تمام ابعاد و زوایای زندگی بشری در حال رخنه و گسترش است. به سخن دیگر، جهانی شدن جنبه‌های گوناگون زندگی انسانی (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

جهانی شدن؛ با اینکه بر پدیده‌های گوناگون اثر گذار است، از آنها نیز اثر می‌پذیرد. به سخن دیگر، پیشرفتهای فناوری و پیدایش شبکه‌های کامپیوتری و اینترنت و ماهواره‌های مخابراتی، باعث شده است که جهانی شدن نیز با سرعت و با شیوه‌هایی متنوع‌تر بر جوامع انسانی اثر بگذارد و با درنوردیدن مرزهای ملی و جغرافیایی، امکان پیوند سریع میان افراد جوامع و نظامها را فراهم کند. یکی از مسائل میانی و عمده که در آغاز شکل‌گیری اندیشه جهانی شدن، ذهنهای بسیاری را به خود درگیر کرده و به موضوع مرکزی اندیشمندان این حوزه تبدیل شده، پیدایی هویت‌های فراگیر و همگون در جهان است. در این گام، بسیاری از کارشناسان، با دیدگاه‌های گوناگون از تأثیرات همگون ساز و یکنواخت کننده هویتی و فرهنگی جهانی شدن سخن می‌گفتند. از این دیدگاه، جهانی شدن؛ به معنای آمریکایی شدن، غربی شدن یا مک‌دونالدی شدن... تنها به حوزه‌های اقتصادی یا سیاست محدود نمی‌شود، بلکه، حوزه فرهنگ را نیز دربرمی‌گیرد. (کچوئیان، ۱۳۸۴، صص ۲۵۲).

از این دیدگاه، جهانی شدن؛ به نابودی و دگرگونی هویت‌های ملی منجر می‌شود. حال، با نگاه به آنچه گفته شد، پرسش این نوشتار چنین است: جهانی شدن فرهنگ، چه اثری بر هویت ملی می‌گذارد؟ و فرضیه بررسی، در پیوند با پرسش این است که: جهانی شدن فرهنگی با تأثیر منفی بر عوامل به وجود آورنده هویت ملی، باعث فروکاهی هویت ملی می‌شود.

در این نوشته، ما به «عامل به وجود آورنده هویت ملی؛ یعنی حاکمیت ملی و قومیت» می‌پردازیم و تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات (اینترنت) را بر حاکمیت ملی و قومیت و اینکه انقلاب در عرصه ارتباطات، تا

را چنان دگرگون کرده که هیچ گونه انزوآگزینی و کناره گیری را بر نمی تابد، تا آنجا که دور افتاده ترین و دیرینه ترین جوامع نیز از بستن مرزهای خود به روی جریانها و شبکه های جهانی ناتوان هستند.

فرهنگ

فرهنگ؛ از جمله واژه ها و شناسه های علوم اجتماعی و انسانی است که با کاربرد بسیار فراوان، هم اندیشی چندانی بر سر تعریف آن در کار نیست. همه معنای گوناگون فرهنگ، از واژه لاتینی Cul-tivate ریشه می گیرد. يك راه برای باز شناخت فرهنگ این است که بگوییم:

نیروی است که رفتارهای انسانی را فراخور دیدن و برجسته می کند. فرهنگ است که این امکان را فراهم می کند تا مردم کاری را انجام دهند و بیننده یی آن رفتار را تفسیر کند و معنای آن را بفهمد. فرهنگ، این امکان را فراهم می کند که از میان رفتارهای چندگانه، یکی را برجسته و گزینش کنیم و آن را به گروه های گوناگون پیوند دهیم (اینگلیس، ۱۳۸۶، ص ۶).

در ویرایش سوم فرهنگ بین المللی وبستر، فرهنگ چنین تعریف شده است: «مجموعه الگوهایی از رفتارهای انسانی که در قالب گفتار، کردار و مصنوعات بشری پیدا می کند و وابسته به ظرفیت بشر برای آموختن و انتقال دانش به نسل های آتی است» (فرجاد، ۱۳۸۵، ص ۱)

جهانی شدن فرهنگی

جهانی شدن فرهنگی؛ عبارت است از شکل گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. این فرایند، موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می آورد. سه دیدگاه کلی در مورد آن وجود دارد؛ گسترش تجدد غربی، گسترش و جهانگیر شدن فرهنگ مصرفی سرمایه داری و جهانی شدن فرهنگ آمریکایی.

گسترش تجدد غربی؛ برجسته ترین وجه جهانی شدن فرهنگی و عبارت است از: يك رشته نهادها و

سخن می گوید، نه از همگوتر و یکپارچه تر شدن جهان. (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷).

اما، تعریف محوری این بررسی درباره جهانی شدن، عبارت است از؛ فرایند فشردگی زمان و فضا، که به واسطه آن در دنیا، کم و بیش به شیوه آگاهانه، در جامعه جهانی یگانه در هم پیچیده می شوند. به سخن دیگر، جهانی شدن فرایندی است که در روند آن، فرد و جامعه در گستره یی جهانی به یکدیگر پیوند می خورند (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۰).

درباره پیشینه جهانی شدن، اندیشمندان گوناگون، گامهای آغازین فرایند جهانی شدن را در دهها، صدها و حتا هزارها سال پیش جستجو و شناسایی می کنند و گروهی از نومارکسیستهای مانند گوندر فرانک و والرشتین، آغازین فرایند را به ۲۵۰۰ سال پیش از زایش مسیح می دانند و نویسندگانی مانند اریک ولف و ویلکینسن، زمان جهانی شدن را از ۱۵۰۰ سال پیش از آن زایش می دانند (همان، ص ۲۳).

رابرتسون؛ بر پایه این اندیشه، فرایند جهانی شدن را در پنج گام می داند: گام ابتدایی، با بسته شدن نطفه فرایند جهانی شدن در جوامع اروپایی، که از سال ۱۴۰۰ آغاز و در سال ۱۷۵۰ پایان می یابد.

گام دوم یا آغازین؛ که باز هم از اروپاست و سالهای میان ۱۷۵۰ و ۱۸۷۵ را دربرمی گیرد.

سومین گام؛ خیز نام دارد و پنجاه سال به درازا می انجامد؛ از ۱۸۷۵ تا ۱۹۲۵.

گام چهارم؛ از ۱۹۲۵ تا ۱۹۶۹، ستیز برای برتری جویی است.

گام پنجم، گام عدم قطعیت نام گرفته، که از ۱۹۶۹ آغاز شده است. (رابرتسون، ۱۳۸۰، صص ۱۳۲-۱۳۱).

اهمیت جهانی شدن؛ در درجه نخست، از شتاب و شدت زیاد فرایند جهانی شدن برمی آید؛ شتاب و شدتی که بر ابزارها و امکانات ارتباطی استوار است. امروزه، دگردیسی شگرف در فنون ارتباطی و اطلاعاتی و شکل گیری يك سامانه ارتباطی تازه و استوار بر زبان همگانی دیجیتالی؛ بنیاد مادی جامعه

شدیدی را در جوامع سنتی پدید آورده است. اتخاذ تصمیم در ابعاد اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در جهان، پیامدهایی را در جهت دگرگونی ساختار کشورها به دنبال خواهد داشت. انقلاب ارتباطات، بویژه شبکه اینترنت و امکانات جهانی، نه تنها ابعاد جدیدی به «جهانی شدن» داده، بلکه در فضای زمان و مکان، تغییراتی ایجاد کرده و گستردگی زمان و مکان را به صفر نزدیک کرده است. (تافلر، ۱۳۷۱، ص ۶۸).

به طور کلی، تنوع وابستگی متقابل فزاینده، سرعت و تمرکزگرایی، شبکه‌یی شدن روابط، همه روندهایی است که به تدریج در حیطه‌های عملکرد نهادهای مختلف تمدن امروز رسوخ یافته و زمینه‌های پیدایش جهانی شدن را بنیان می‌نهد و با شکل‌گیری عصر اطلاعات و انقلاب ارتباطات، سیستم‌های سیاسی و رژیم‌های حکومتی نیز برای استمرار و تداوم بقای خویش ناگزیرند تعدیلهایی در مبانی و نحوه عملکرد خود به عمل آورند که این امر، یکی از خصایص تفکر سیستمی است و خود کشورهای رو به توسعه، جزء کوچکی از سیستم جهانی به‌شمار می‌روند (طاهری، ۱۳۸۲، ص ۲).

به نظر مک لوهان؛ بزرگترین نیروی وسایل ارتباطی در این بوده که افکار و ادراک ما در هر عصر و دوره را تحت نفوذ اصول مربوط به کار خود قرار داده است. وسایل ارتباطی جدید در هر عصر و دوره‌یی، به مجرد اینکه جای وسایل ارتباطی متداول را می‌گیرند و در حقیقت خود را بر محیط تحمیل می‌کنند، به صورت منابع مفروضات و اصول فکری جدیدی درمی‌آیند که از همین راه می‌توانند موجب تغییراتی در اهداف و آرمانها شوند (همان، ص ۴).

از دید دانشمندان علوم ارتباطات، جهانی شدن چیزی جز توسعه کمی و کیفی ارتباطات بین افراد و جوامع مختلف در پرتو پیشرفتهای شگرف فناوری، اطلاع‌رسانی و تحلیل داده‌ها نیست.

تمامی رسانه‌ها، از ویژگی پیام‌رسانی برخوردارند. پیام نیز؛ یا خود فرهنگ است، یا

شیوه‌های رفتار که در پی فروپاشی نظام فئودالی در اروپای غربی شکل گرفت و در طول چندین دهه به نقاط دیگر جهان راه یافت و در سده بیستم به واسطه عرصه ارتباطات گسترش فرهنگ و تمدن غربی با پیشرفت چشمگیری ادامه یافت. یک برداشت رایج و آشنا از جهانی شدن فرهنگ غربی، همان امپریالیسم فرهنگی است.

«از این دیدگاه جهانی شدن عبارت است از؛ اراده همگونسازی فرهنگی جهان». در این صورت، جهانی شدن نه یک فرایند تابع نیروهای ساختاری و غیرارادی، بلکه، نوعی تحمیل فرهنگ غرب بر جهان غیرغرب است که توسط عوامل و اراده‌های اقتصادی - سیاسی نیرومند انجام می‌شود.

دومین عامل در جهانی شدن فرهنگ؛ نوعی فرهنگ مصرفی متناسب با نظام سرمایه‌داری است. پس، فرایند جهانی شدن فرهنگی تابعی است از فرایند جهانی شدن اقتصادی یا نظام جهانی سرمایه‌داری. سومین جنبه جهانی شدن فرهنگی؛ فرهنگ آمریکایی است. همان‌گونه که جهانی شدن فرهنگ و تمدن غربی، عمدتاً در جهانی شدن فرهنگ مصرفی مرتبط با نظام سرمایه‌داری نمود می‌یابد، فرهنگ آمریکایی هم محتوای اصلی این فرهنگ مصرفی را تشکیل می‌دهد. (گل محمدی، ۱۳۸۱، صص ۹۸-۱۰۱).

فناوری اطلاعات و ارتباطات، یا به سخن دیگر، رسانه‌ها زیرمجموعه‌یی از جهانی شدن فرهنگی هستند یا جهانی شدن با مفهوم امروزی خود محصول انقلاب ارتباطات است.

جایگاه رسانه‌ها در فرایند جهانی شدن

محققان بر این باورند که پس از انقلاب صنعتی - که سه سده بر جهان حاکم بود - در ربع آخر سده بیستم، انقلاب تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات رخ داده که نظم جدیدی را پدید خواهد آورد و ما اکنون به‌عنوان جزئی از سیستم جهانی در جریان و معرض این انقلابیم.

ارتباطات در دنیای امروز، تغییرات بنیادی

برای انتقال فرهنگ انتشار یافته است. تمامی رسانه‌های همگانی، بنا به ویژگی دارا بودن مخاطبان و مکان گسترش شبکه ارتباطی و امکان تکنولوژی، مستعد جهانی شدن هستند. فرایند جهانی شدن فرهنگ، سده‌هاست که آغاز شده است. اما، آنچه که تحقق آن را به چنین شتابی رسانده، وجود همین رسانه‌های همگانی از بزرگراه‌های ارتباطی است.

بنابراین، چون و چرایی جهانی شدن فرهنگ، ابتدا به ویژگی‌های درخور رسانه‌ها بازمی‌گردد. با شناختی کلاسیک از این ویژگی‌ها و کارکرد آنها، می‌توان فرایند جهانی شدن فرهنگ را متصور شد (تقی‌آبادی، ۱۳۸۴، ص ۲).

- رادیو و تلویزیون

رسانه‌های رادیو و تلویزیون؛ از وسایل ارتباط جمعی کارکردهای گوناگونی در جامعه‌پذیری و همگونسازی تفکر و اندیشه در میان گروه‌های انسانی دارا است، که مخاطبان این رسانه هستند، این دو رسانه، در کنار سایر وسایل ارتباط جمعی، با توجه به مزیت‌هایی که نسبت به سایر رسانه‌ها دارند، کل اجتماع را هماهنگ می‌کنند و زندگی روزمره ما را، با پیام‌هایی که منتشر می‌کنند، شکل می‌دهند و فراتر از این؛ در بلندمدت نیز می‌توانند رفتار و کردار ما را مطابق با نظرات ارباب وسایل ارتباط جمعی شکل دهند.

روند رو به افزایش کار گروه‌های گوناگون رسانه‌های رادیو و تلویزیون - در گرو پیشرفت فناوری ارتباطات - دنیایی را نوید می‌داد که مک لوهان، آن را به دهکده جهانی تعبیر کرده است. زیرا، در ورای افق، چشم‌انداز عظیمی از فناوری از دور نمودار گردید که این چشم‌انداز نه تنها وقوع انقلابی در زمینه ارتباطات را نوید داده، بلکه، سازماندهی مجدد جامعه را نیز وعده می‌دهد. (طاهری، ۱۳۸۲، ص ۸)

اینترنت

پیدایش اینترنت، به دهه ۱۹۶۰ میلادی بازمی‌گردد، زمانی که دولت ایالات متحده آمریکا،

براساس طرحی موسوم به آریا - مخفف آژانس تحقیق پروژه‌های پیشرفته - که در آن زمان برای کارکردهای دفاعی به وجود آمده بود، این طرح را پیاده کرد. طرح این بود که؛ کامپیوترهای موجود در شهرهای مختلف (در آن زمان چیزی با نام کامپیوتر شخصی وجود نداشت، بلکه، سازمان‌های بزرگ و دانشگاه‌ها و مراکز دولتی معمولاً دارای سیستم‌های کامپیوتری بزرگ بودند) که هر کدام اطلاعات خاص خود را در آن ذخیره داشتند، در صورت نیاز بتوانند با یکدیگر اتصال برقرار کرده، اطلاعات را به یکدیگر منتقل کنند و یا در صورت ایجاد بستر مناسب، اطلاعات را در حالت اشتراک قرار دهند.

در همان دوران، سیستم‌هایی به وجود آمد که امکان ارتباط بین کامپیوترهای يك سازمان را از طریق شبکه مختص همان سازمان فراهم می‌کردند. به طوری که کامپیوترهای موجود در بخش‌ها، یا طبقات مختلف، با یکدیگر تبادل اطلاعات کرده، امکان ارسال نامه بین بخش‌های مختلف سازمان را فراهم می‌کردند. اکنون، به این سیستم ارسال نامه، پست الکترونیک می‌گویند. اما، برای اتصال و ارتباط دادن این شبکه‌های کوچک و پراکنده - که هر کدام به روش و استانداردهای خودشان کار می‌کردند - استانداردهای جدید و مشخصی - که همان پروتکل‌ها است - توسط کارشناسان وضع شد. سرانجام، در سال ۱۹۶۱ میلادی، تعداد چهار کامپیوتر در دو ایالت، با موفقیت ارتباط برقرار کردند و با اضافه شدن واژه نت به طرح اولیه، نام آرپانت برای آن منظور شد.

طی سال‌های پایانی دهه ۱۹۷۰؛ شبکه‌های مختلف تصمیم گرفتند به صورت شبکه‌یی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و آرپانت را به عنوان هسته اصلی انتخاب کردند. بعدها، در سال ۱۹۹۳ میلادی نام اینترنت روی این شبکه بزرگ گذاشته شد (فالك، ۱۳۷۴، صص ۳۲-۱۶).

امروزه، انقلاب انفورماتیک و الکترونیک و به تبع آن توسعه رسانه‌های اطلاعاتی و پیشرفت فناوری ارتباطات؛ موجب تسهیل در پیوند میان فرهنگ‌های

(الطایی، ۱۳۷۸، ص ۲۰).

در تعریف هویت؛ یکی از متغیرهایی که لازمه اساسی آن است «غیر» خواهد بود. هویت را نمی توان تعریف کرد، مگر این که تعریف و حدود «غیر» مشخص شود.

هویت ملی

هویت ملی؛ از انواع هویت جمعی و به معنای احساس همبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و قومی و احساس وفاداری به آن است. هویت ملی؛ زاده عصر جدید است که ابتدا در اروپا سربرآورد و آنگاه از اواخر سده نوزدهم به خاور زمین و سرزمینهای دیگر راه یافت. (اشرف، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳) هویت ملی؛ نیز تعاریف مختلفی دارد. در یک تعریف: هویت ملی، همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه در نظر گرفته شده است و می توان گفت، هویت ملی؛ به این معناست که افراد یک جامعه نوعی منشأ مشترک را در خود احساس کنند. (یوسفی، ۱۳۷۹، صص ۲۷ و ۲۶).

در تعریفی دیگر: «هویت ملی، مجموعه‌یی از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود. لذا، هویت ملی، اصلیت‌ترین سنتز و حلقه ارتباط بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است.» (حاجیان، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷).

ابعاد و عناصر سازنده هویت ملی

این مفهوم دارای عناصر سازنده‌یی است. از جمله مهمترین آنها؛ می توان به ارزشهای ملی، دینی، اجتماعی و انسانی اشاره کرد.

ارزشهای ملی؛ تمامی مشترکات فرهنگی اعم از: سرزمین، زبان، نمادهای ملی، سنتها و ادبیات را شامل می‌شود. ارزشهای دینی؛ تمام مشترکات دینی و فرهنگ دینی را شامل می‌شود. ارزشهای اجتماعی، به اصول، قواعد و هنجارهای اجتماعی نظر دارد و ارزشهای انسانی؛ به کلیه اصول و قواعد انسانی، فارغ

ملل گوناگون شده است. از سوی دیگر؛ انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی، آگاهیهای مردم در نقاط مختلف جهان را افزایش داده و نوعی «نگرش جهانی» را در حوزه فرهنگی حاکم ساخته است.

امروزه، در پرتو انقلاب الکترونیک؛ مفاهیم سرعت، زمان و مکان از تعریف کلاسیک خود خارج شده و ابعاد جدیدی یافته‌اند. در عصر حاضر، می توان به یاری رسانه‌های اطلاعاتی مانند شبکه جهانی اطلاعات (اینترنت) E-mail (ایمیل) و... هر نوع داده‌های اطلاعاتی را در کوتاه‌ترین مدت و میان دو مکان جغرافیایی متفاوت و دور از هم، مبادله کرد. بنابراین؛ در فرایند جهانی شدن فرهنگ، زمان و مکان فشرده و بسیار کوتاه شده است. (رجایی، ۱۳۸۰، ص ۲۱).

گیدنز بر این باور است که ظهور فناوریهای ارتباطات راه دور، ارتباط کم و بیش آنی یک نقطه از جهان با نقطه دیگر را امکانپذیر ساخته است، امروزه، احساس زندگی در یک جهان واحد، تا حد زیادی نتیجه تأثیر بین‌المللی رسانه‌های ارتباطی است. (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

هویت

به لحاظ لغوی؛ واژه هویت (identity) از واژه identitas مشتق شده است. واژه هویت، که در فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در اصل کلمه‌یی عربی (الهویه) است، این کلمه از «هو» یعنی «او» که ضمیر مفرد مذکر است، مشتق شده است.

هویت در معنای لغوی؛ یعنی، حقیقت و ماهیت چیزی، یا هویت؛ پاسخ به سؤال چه کسی بودن و چگونه بودن است.

هویت؛ عبارت است از «مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به‌طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروهها و افراد متعلق به آنها متمایز سازد.»

توجه است که مفهوم حاکمیت هر معنایی داشته باشد، استقلال معیار اصلی و الزامی آن است. (همان، صص ۲۲۷ و ۲۲۶).

یکی از مهمترین مؤلفه‌های سنتی حاکمیت سیاسی «دولت - ملت»ها کنترل و مراقبت بر فضا و قلمرو و مرزهای سیاسی کشور برای متوقف ساختن دیگران از مداخله در امور داخلی بوده است، اعمال قدرت و کنترل سیاسی بر یک قلمرو سرزمینی، با ظهور و مرزهای ثابت امکانپذیر گردید. توانایی ابزاری دولت-ملت برای کنترل و مراقبت بر فضا و قلمرو کشور، مستلزم آن بود که دولت با ایجاد نهادهای متمرکز و یک دیوانسالاری پیچیده و گسترده، به‌طور واضح و عملی، اقتدار خویش را بر تمام مراکز دیگر قدرت در داخل قلمرو سرزمینی حاکمیت خویش اعمال کند. دولت‌ها در این راستا از یک منبع اطلاعاتی انحصاری، ابزارهای مراقبت و نیروهای نظامی بهره گرفته‌اند. (صدوقی، ۱۳۸۲، صص ۱۶۳ و ۱۶۲).

یکی از مسائل عمده‌یی که فرایند جهانی شدن برانگیخته؛ تأثیر بالفعل و بالقوه آن بر حاکمیت و استقلال ملی - بویژه در عرصه فرهنگ و زندگی اجتماعی - است. با گسترش ارتباطات فرهنگی نیز، عرصه اختیار دولت‌های ملی در زمینه رسانه‌های گروهی و از جمله مطبوعات کاهش می‌یابد. بدین‌سان، توده قابل ملاحظه‌یی از اقتدار در سطح جهانی و بین‌المللی در حال تشکیل است که خواه ناخواه، به اقتدار سنتی دولت‌های محلی آسیب می‌رساند. (بشیریه، ۱۳۸۳، صص ۶۴۹-۶۵۰).

فناوری اطلاعات؛ خلاصه شده عبارت فناوری و خدمات اطلاعات و ارتباطات است. فناوری اطلاعات؛ طیف کاملی از تولید، توزیع و مصرف اطلاعات، از طریق همه رسانه‌ها، از رادیو و تلویزیون تا ماهواره و اینترنت را دربرمی‌گیرد.

شاید مهمترین کاربرد شبکه‌های الکترونیکی کامپیوتری، کاربرد یا انگاره جدید «جامعه مجازی» است.

جوامع مجازی؛ تجمع‌های اجتماعی الکترونیکی

از هر گونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی برای نوع بشر نظر دارد.

هویت ملی؛ در کنار عناصر سازنده خود، ابعاد گوناگونی هم دارد که شامل ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی، زبان و ادبیات می‌شود. (زهیری، ۱۳۸۱، صص ۲۰۱).

در ادامه؛ در بُعد سیاسی، یعنی حاکمیت ملی و بُعد اجتماعی آن، یعنی قومیت را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

حاکمیت ملی

درباره کمتر مفهوم سیاسی به اندازه حاکمیت ملی بحث شده و به گفته صاحب‌نظران سیاسی، هیچ اصطلاحی در علوم سیاسی تا این مقدار، موارد استعمال گوناگون نداشته است.

حاکمیت؛ به معنای برتری و تفوق از ریشه لاتینی Superanus گرفته شده است. در ابتدایی‌ترین تعریف که متعلق به ژان بدن، فرانسوی است، به معنای مطلق و دایم حکومت یک اجتماع آمده و آن عنصر اساسی است که یک اجتماع سیاسی را از سایر سازمانها و جوامع بشری متمایز می‌کند (جونز، ۱۳۷۶، صص ۶۵).

«حاکمیت؛ عبارت است از اعتبار، اقتدار و مؤثر بودن حکومت در تضمین استقلال و اقتدار دولت، به عبارتی؛ حاکمیت اصلی است که به دولت‌ها اقتدار می‌دهد تا قواعد فعالیت‌هایی را وضع کنند که در درون مرزهایشان صورت می‌گیرد. حاکمیت، اصلی نظم‌دهنده است که اختیار تنظیم مناسبات را به دست می‌دهد.» (مستقیمی، ۱۳۸۵، صص ۲۲۳).

حاکمیت دو بُعد دارد: رسمی - حقوقی و سیاسی. بُعد نخست؛ به در پناه بودن از مداخله خارجی مربوط می‌شود. به این ترتیب که؛ قانوناً هیچ اقتداری بالاتر از دولت نیست، مگر اقتداری که یک دولت در هنگام پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی، داوطلبانه به این سازمانها اعطا می‌کند.

بُعد دوم؛ یعنی حاکمیت سیاسی، دولت‌ها را قادر می‌سازد از استقلال خود بهره گیرند. این نکته شایان

رخنه پذیرند. انواع داده‌ها از بین مرزها و از فراز و از طریق آنها عبور می‌کنند؛ به گونه‌یی که گویا اصلاً مرزی وجود ندارد. (مستقیمی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵).

رخنه‌پذیر شدن مرزهای ملی به واسطه ظهور فضای مجازی؛ حقوق و قانونگذاری مبتنی بر سرزمین را بی‌ثبات و متزلزل می‌کند و یک فعالیت خاص را در معرض حقوق مختلفی در یک زمان قرار می‌دهد، زیرا، آن فعالیت از مرزهای هر ملت واحدی فراتر می‌رود. (ویلیامز، ۱۳۷۹، ص ۱۳۹).

انقلاب اطلاعات در همه جوامع، می‌تواند حاکمیت دولت را فرسایش دهد. این فرسایش، از راه فرایندهای متمایز «از بالا به پایین» و «از پایین به بالا» رخ می‌دهد:

جهانی‌سازی «از بالا به پایین» به حاکمیت دولت که با فناوری اطلاعات تسهیل می‌شود، ناشی از بسیاری جریانها است که از مرزها عبور کرده، در عرصه‌های سنتی حقوق و مسئولیت حکومتی‌های مرکزی، اختلال ایجاد می‌کند.

برعکس؛ جهانی‌سازی «از پایین به بالا» را نیروهای دیگری به حرکت درمی‌آورند، اما، در اینجا نیز فناوری اطلاعات می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. بازیگران غیر حکومتی لایه‌های بسیار پایین اجتماع، مانند سازمانهای غیر حکومتی، کسبه خرده‌پا و افراد، هرچه بیشتر از فناوری اطلاعات استفاده می‌کنند و به علت آن که فناوری اطلاعات ارزاتر شده، گروهها و سازمانهای غیر حکومتی استطاعت بیشتری برای تهیه آن دارند. این وضع؛ اجازه می‌دهد هزینه «پیام» خود را کاهش دهند، بازیگران آسانتر ارتباط برقرار کنند، خدمات بدهند و قدرت خود را در قبال دولت افزایش دهند. (مستقیمی، ص ۲۴۱).

جهانی شدن؛ سبب شده است که فناوری اطلاعات از دو جهت حاکمیت دولت را به فرسایش بکشاند. نخست؛ جهانی ساختن واژه‌ها و تصورها که ماهواره‌ها و اینترنت پخش می‌کنند، از توانایی دولت برای مهار کردن اطلاعات در درون سرزمین خود می‌کاهد. دوم؛ اینکه در کنار آن، بازیگران در سطح فرمولی به فناوری جدید اطلاعات در همه اشکال آن، به صورت

هستند که هر جا افراد به شبکه‌های الکترونیکی دسترسی داشته باشند، برای اهداف متعدد کوتاه مدت در هر حوزه‌یی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...) روی شبکه‌ها ایجاد می‌کنند. افراد در جوامع مجازی؛ تقریباً توانمند به انجام هر کاری هستند که در زندگی واقعی انجام می‌دهند، اما، با این تفاوت که هیکل یا بدن فیزیکی خود را به درون آن جامعه نمی‌برند.

جوامع مجازی؛ با از بین بردن مسأله فاصله و مرز می‌توانند برداشتهای افراد از جامعه را تغییر دهند و آنها را از جوامع تاریخی خود جدا سازند. آنها می‌توانند منافع و هویت‌های منفرد را قادر به عرض اندام در سطح ملی و جهانی کنند و بدین صورت، باعث چندپارگی اجتماعی و سیاسی شوند. در این جوامع مجازی؛ اخبار و ایده‌ها و... به راحتی از مرزها عبور می‌کنند، به طوری که گویی اصلاً مرزی وجود ندارد. زمان و فاصله در این جوامع منسوخ می‌شود و قدرت افراد برای شکستن سلسله مراتب قدیمی افزایش می‌یابد. امروزه، هیچ کس و هیچ دولتی قادر به متوقف ساختن اطلاعات و ارتباطات در میان مرزهای ملی نیست.

با گسترش جوامع مجازی در درون شبکه‌های الکترونیکی؛ یکی از پایه‌های قدرت و حاکمیت دولت، به نام کنترل بر فضا و قلمرو کشور تا حد زیادی تحلیل می‌رود. این مسأله، زمانی نمایاتر می‌شود که دولت‌ها، با روشهای موجود، بخواهند در فضای جدیدی قدرت فوق را اعمال کنند. دولت‌ها، همچنان، بر مراقبت و نظارت تکیه می‌کنند، اما، دیگر دارنده انحصاری آن نیستند. (صدوقی، ۱۳۸۲، صص ۱۶۵-۱۷۱).

حاکمیت، چه از نظر ابعاد رسمی - حقوقی، یا سیاسی و چه ابعاد داخلی یا خارجی، تحت تأثیر توسعه و عملکرد فناوری اطلاعات قرار گرفته است و این اثرگذاری برای دولت‌ها، در همه سطوح سلسله مراتب قدرت جهانی وجود دارد. چنین می‌نماید که فناوری اطلاعات سبب می‌شود تا مرزهای رسمی - حقوقی، دیگر به طور حتم قابل دفاع نباشند، زیرا،

تشخیص و تفکیک می‌شود. به همین دلیل، گاهی همین گروه قومی به معنی گروه ملی، یا معادل آن درمی‌آید.» (الطائی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۸).

«گابریل بن دور، شش ویژگی مکتب کهن‌گرایی را به‌عنوان عناصر قومیت مدنظر قرار داده است:

وابستگی‌های خونی، نژادی، زبان، سرزمین، مذهب و رسوم». (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۳۱).

هویت‌های قومی؛ در فرایند جهانی شدن رشد می‌کنند و ما شاهد وقوع جریان‌های هویت‌یابی قومی جدید یا به تعبیر برخی، مدعی قومیت تازه یعنی رشد دولت-ملت‌های جدید در عرصه جهانی و تشدید کشمکش‌های قومی خواهیم بود و براساس آن هویت ملی تضعیف می‌شود.

با افزایش نقش تکنولوژی‌های تازه ارتباطی، مانند ماهواره‌های ارتباطی دوربرد بین‌المللی، کانال‌های تلویزیونی بین‌المللی، پست تصویری؛ اینترنت باعث خلق جوامع قومی مجازی می‌شود.

جوامع قومی مجازی؛ به جوامعی اطلاق می‌شود که به وسیله فناوری‌های ارتباطی و با توجه به اشتراک در ایستارها، تصورات، علایق، ارزشها و... به هم مرتبط می‌شوند. (مقصودی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۶).

تقویت هویت خواهی قومی، نه با اتکا به سرزمین، بلکه، به صورت فضایی در عصر جهانی شدن بروز می‌کند. در چنین شرایطی همه افرادی که خود را متعلق به یک قوم می‌دانند، در هر جای دنیا که باشند، از طریق شبکه‌های ارتباطی به هم متصل می‌شوند و گروه‌های قومی جهانی را تشکیل می‌دهند و به صورت سازمانی غیردولتی - با هر عملکردی که باشند - ظهور می‌یابند و با انتخاب رهبر یا رهبران، دولت - قومیت‌های جدیدی را، بدون اصرار بر هویت سرزمینی، به وجود می‌آورند.

برخلاف امروز که دولت - ملت‌ها، با ماهیت سرزمین شناسایی می‌شوند و یکی از مهمترین شاخص‌های هویتی آنها سرزمین است، دولت - قومیت‌های جدید، بدون توجه به سرزمین واحد - در هر جای دنیا - خود را اعضای یک جامعه می‌دانند و رهبران خود را نه در واحد سرزمین، که در مقیاس جهانی و از طریق

رسانه‌ها و توانایی پردازش دست پیدا می‌کنند. این وضع، به سازمان‌های غیر حکومتی محلی اجازه می‌دهد تا در معاملات بین‌المللی، دولت را دور بزنند. (همان، صص ۲۴۵ و ۲۴۴).

بر اثر فرایند جهانی شدن؛ دولت‌های ملی در عمل اقتدار نهایی خود را در بسیاری از حوزه‌های سیاست‌گذاری، از دست می‌دهند. حاکمیت مطلق ملی، بدین‌سان به مفهومی ناممکن و منسوخ تبدیل می‌شود. دولت‌های ملی؛ دیگر نخواهند توانست به راحتی برخلاف مسیر تحولات سیاسی و فرهنگی جهان خودسرانه تصمیم‌گیری کنند. به‌طور کلی، واقعیت نظام جهانی، با مفهوم صوری حاکمیت و اقتدار دولت ملی، در تعارض قرار می‌گیرد.

«بدیهی است که دولت‌های ملی نمی‌توانند بر فرایندهایی که به‌واسطه جهانی شدن از حدود اختیار و کنترلشان خارج است، اعمال کنترل کنند. زیرا، گسترش فناوری ارتباطات چنان امکانات گسترده‌یی ایجاد کرده که دولت ملی در هر حیطة و با هر وسیله‌یی هم که بخواهد اعمال کنترل کند، محتوای ارتباطی، از طریق وسایل دیگر، منتقل و منتشر می‌شود» (بشیریه، ۱۳۸۳، صص ۶۵۶ و ۶۵۵).

بنابراین؛ دولت‌ها در مواجهه با جهانی شدن بی‌سابقه از دهه ۱۹۶۰ به بعد، دیگر نمی‌توانند به معنای سنتی خودمختار باشند. پس، پایان قلمروگرایی، موجب پایان یافتن حق حاکمیت نیز خواهد بود و بدین ترتیب، باعث تضعیف هویت ملی می‌شود (شولت، ۱۳۸۳، صص ۱۸۴).

جهانی شدن و قومیت

یکی از بحث‌های مهم مربوط به تأثیر فرایند جهانی شدن فرهنگ بر هویت ملی؛ مسأله قومیت است. دکتر علی الطائی در مورد قوم با توجه به قومیت چنین گفته است:

«قوم؛ یک گروه انسانی - نژادی است که از زبان و فرهنگ و روش زندگی و تمنیات گروهی ویژه‌یی - در چارچوب یک شاخه بزرگ نژادی - برخوردار است، به قسمی که حتا از دیگر گروه‌های نژادخود قابل

و... باعث تزلزل مرزهای ملی می‌شود و دولت، همانند گذشته، دیگر قادر نیست که دست به بستن مرزهای ملی بزند و اعمال سیاست کند، چنانچه در بخش حاکمیت گفته شد.

ب- رشد حرکتها و کشمکشهای قومی:

رشد حرکتها و کشمکشهای قومی در ربع پایانی سده بیستم، بسیار افزایش داشته است. جهانی شدن باعث گسترش آگاهی قومی و در نتیجه کشمکشهای قومی در جهان می‌شود. این بحث؛ نه تنها به‌عنوان نتیجه خود به خودی و ساز و کار کاهش قدرت دولت ملی و تضعیف نقش آن در عرصه داخلی و بین‌المللی مطرح می‌شود، بلکه، موارد گوناگون حرکتهای قوم‌گرایانه در اواخر سده بیستم نیز شاهدهی برای رشد قوم‌گرایی و هویت‌های قومی قلمداد می‌شود.

پ- فروپاشی کشورهای چند قومی - ملیتی:

در تشدید قوم‌گرایی در فرایند جهانی شدن؛ فروپاشی کشورهای چند قومی و چند ملیتی سابق، یکی از عمده‌ترین دلایل و شواهد رشد کشمکشهای قومی و تشکیل دولتهای ملی جدید است. (احمدی، ۱۳۸۱، صص ۲۳-۲۵).

بنابراین، فرهنگ و ارتباطات در روابط درون قومی، بین قومی و بین نظام حاکم گروههای قومی معنی و مفهوم می‌بخشد، و باید اضافه کرد؛ که فرهنگ و ارتباطات دیگر تنها در انحصار دولتها نیست و نقش گروههای فراملی و فروملی و نخبگان برجسته علمی، فرهنگی و سیاسی در فرهنگسازی و ایجاد شکاف در دیوارهای به ظاهر مستحکم فرهنگ ملی - بویژه با در اختیار داشتن تریبونهای مختلف رسانه‌یی - افزایش یافته است. توسعه امکانات ارتباطی، فاصله میان گروههای قومی در درون و بیرون مرزهای سیاسی را کاهش داده، جابه‌جایی انسانها را تسهیل و نقش مرزها را کم‌رنگ کرده است؛ در نتیجه، نه تنها حمایتها و یا اعمال فشارهای بیرون مرزی از سوی گروههای هم قوم - هم تبار (اعم از واقعی، جعلی و مجازی) را افزایش داده بلکه، آن را به بخشی از سازوکار فرهنگی و ارتباطی در برابر اعمال

خطوط ارتباطاتی تعیین می‌کنند و دولتی فراسرزمینی را تحقق می‌بخشند. در چنین شرایطی؛ اقتدار ملی، به معنای امروزی که در آن سرزمین و مرزهای سیاسی حد آن را تعیین می‌کند، به اقتدار قومی - جهانی تبدیل می‌شود (پیشگامی فرد، ۱۳۸۰، ص ۲۴۰).

بنابراین؛ در دنیای فناوری اطلاعاتی، به وجود آمدن جوامع قومی مجازی و از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و کم شدن فاصله زمان - مکان، باعث رشد قوم‌گرایی و افزایش ستیزه‌های قومی و بروز شکافها و خلأهای فرهنگی و شکاف در هویت ملی می‌شود. زیرا، رشد قوم‌گرایی در عصر جهانی شدن و فناوری اطلاعاتی (اینترنت)، به لحاظ نظری، بیشتر از رهیافت فرهنگ جهانی استفاده می‌کند. رشد حرکتهای قوم‌گرایانه سیاسی، در عصر جهانی شدن، به معنی فروپاشی چارچوبهای سرزمینی و رشد دولت - ملت‌های جدید، جای خود را در رهیافت فرهنگ جهانی به خود اختصاص می‌دهد و بیشتر به رشد هویت‌های قومی در جهان توسعه یافته - به‌عنوان چالش در برابر جهانی شدن - اشاره می‌کند و از رهیافت فرهنگ جهانی، بویژه بحث فشرده شدن زمان و مکان استفاده می‌کند تا رشد حرکتهای قومی را به اثبات برساند. در این رابطه، رشد فناوری وسایل ارتباط جمعی نیز عامل مهمی در رشد حرکتهای قوم‌گرایانه در نظر گرفته می‌شود. زیرا، این فشردگی زمان و مکان، از یکسو و رشد شگرف تحولات رسانه‌های جمعی - بویژه اینترنت - از سوی دیگر، زمینه را برای ظهور پدیده خاص‌گرایی فرهنگی و در نتیجه افزایش آگاهی قومی فراهم می‌سازد (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۲۰).

دلایل رشد حرکتهای قومی

الف - کاهش نقش دولت و زوال آن:

یکی از دلایل رشد حرکتهای قومی در عصر جهانی شدن؛ بحث تضعیف نقش دولت ملی در عصر جهانی شدن است. زیرا، تحولات تکنولوژیک، بویژه در رسانه‌های ارتباط جمعی، مانند اینترنت، ماهواره‌ها

سیاست‌های يك‌سویه دولتها تبدیل کرده است. (مقصودی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۰). بدین ترتیب؛ در شرایط رخ دادن پدیده اجتماع مجازی قومی، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتا سیاسی، می‌تواند بدون توجه به مرزها، در سطح جوامع بزرگ قومی انجام گیرد و بدین ترتیب، باعث رشد و افزایش کشمکش‌های قومی در جهان خواهد بود.

سخن پایانی

جهانی شدن؛ هویت ملی را تضعیف می‌کند، زیرا؛ خواهان یکسانسازی فرهنگها و در هم تنیدن فرهنگهای بومی و محلی در فرهنگ جهانی فرادست است، در فرایند جهانی شدن؛ گرچه مرزها و هویت‌های ملی کم‌رنگ می‌شود، اما، هویت‌های فرهنگی؛ وابسته به مکان و محله‌گرایی، ارزش بیشتری پیدا می‌کنند. در این صورت؛ وطنخواهی، در مقایسه با ملی‌گرایی، از ارزش بیشتری برخوردار خواهد شد. از دیگر سو، از آنجا که جهانی شدن موجب انقلاب ارتباطاتی، انفجار اطلاعاتی و پیشرفتهای بنیادین جامعه اطلاعاتی در زمینه فناوری ارتباطی شده، موجب کاهش فاصله میان جوامع، افزایش اهمیت فضا در مقایسه با مکان و تراکم وقت و زمان، به دلیل امکان جابه‌جایی اطلاعات همزمان می‌شود (درجزی، ۱۳۸۲، ص ۱). تأثیری که اینترنت و شبکه‌های الکترونیکی - که یکی از سازه‌های فرهنگی جهانی شدن است - برای حاکمیت سیاسی دولتها، کنترل دولتها بر فضا و قلمرو کشور، توانایی دولتها برای وضع و اجرای قوانین مستقل برای اداره جامعه دارند؛ فراهم ساختن زمینه رشد جوامع مجازی است. نداشتن تجلی فیزیکی و تمایل بسیاری از این جوامع مجازی به فعالیتهای ضد دولتی و امکان ورود آنها به درون قلمرو حاکمیت هر کشوری - به دور از چشمان مراقب دولتها - باعث شده کنترل و مراقبت دولتها بر قلمرو مرزهای کشور تحلیل برود. از لحاظ حاکمیت حقوقی، به علت این که شبکه

و جوامع مجازی درون آن، ضعیف‌ترین پیوند را با قلمروهای حاکمیت حقوقی سرزمینی دارند، نظام قانونی‌سازی و اجرای قانون مبتنی بر سرزمین و نظام دولت - ملت را دگرگون می‌کند، زیرا، این قانونها به هیچ‌روی در خور کاربرد فعالیتها روی شبکه نیستند (صدوقی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۸).

در مورد قومیتها نیز؛ اینترنت باعث به وجود آمدن جوامع قومی مجازی می‌شود. تشکیل این جوامع باعث جابه‌جایی بسترهای منازعه از قلمرو جغرافیایی به فناوریهای ارتباطی شده، ایجاد و بروز مبادلات نابرابر فرهنگی در میان گروههای قومی و شکافها و خلأهای فرهنگی و ظهور ناسیونالیسم قومی در شرایط بحرانی و خلأ نهادی و افزایش همگرایی فرهنگی در برابر تشدید واگرایی سیاسی را موجب می‌شود. در نتیجه؛ تشدید بومی‌گرایی و هویت‌خواهی قومی افراطی را سبب می‌شود که موجب شکنندگی الگوی دولت - ملت و شکاف در هویت ملی می‌گردد و پیامدهای منفی بر مطالبات قومی و دخالت‌های يك‌سویه را در حاکمیت سبب می‌شود.

بررسی نتایج جهانی‌سازی؛ کاسته شدن از اهمیت مفهوم حاکمیت در بُعد خارجی را نشان می‌دهد. شبکه‌های صنفی جهانی، با ایجاد تغییر در فضای پیوند میان بخشهای عمومی و خصوصی، چالشهایی برای حاکمیت داخلی دولتها به وجود می‌آورند و با سست شدن بنیاد حاکمیت داخلی، دولتها، دیگر انحصار توانمندی مشروع در سرزمین خود را ندارند و قدرت آنها رو به فرسایش است (مستقیمی، ۱۳۸۵، ۲۳۹).

منابع:

۱. کجویان، حسین، ۱۳۸۴، نظریه‌های فرهنگ جهانی شدن، از رویکرد تا واقعیت؛ فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطی، شماره ۲ و ۳.
۲. واترز، مالکوم، ۱۳۷۹، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت

- صنعتی.
۳. گلمحمدی، احمد، ۱۳۸۱، جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی.
۴. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۴، چشم اندازهای جهانی، ترجمه: محمدرضا جلابی پور، تهران: طرح نو.
۵. رابرتسون، رولاند، ۱۳۸۰، جهانی شدن (تئوریهای اجتماعی و فرهنگی جهانی)، ترجمه: کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
۶. گلمحمدی، همان.
۷. همان.
۸. رابرتسون، همان.
۹. انتگلیس، فرد، ۱۳۸۶، فرهنگ، تلخیص و ترجمه: محمود ارغوان، تهران، مرکز مطالعات جهانی شدن.
۱۰. فرجاد، فرهاد، ۱۳۸۵، فرهنگ و جهانی شدن، نشریه: کارگزاران.
۱۱. گلمحمدی، همان.
۱۲. تافلر، آلون، ۱۳۷۱، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر نو.
۱۳. طاهری، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نقش وسایل ارتباطی و اطلاعاتی بر جهانی شدن، مجله دوره عالی، تحقیقات دکتری، شماره ۴۸ و ۴۹.
۱۴. همان.
۱۵. تقی آبادی، رضا، ۱۳۸۴، رسانه‌ها و جهانی شدن فرهنگ، نشریه حمایت.
۱۶. طاهری، همان.
۱۷. فالک، نیت، ۱۳۷۴، اینترنت، ترجمه: مجید لاری، تهران: چر تکه.
۱۸. رجایی، فرهنگ، ۱۳۸۰، جهانی شدن وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران: انتشارات آگاه، چاپ نخست.
۱۹. گیدنز، همان.
۲۰. الطایی، علی، ۱۳۷۸، بحران هویت قومی در ایران، تهران، نشر شادگان.
۲۱. اشرف، احمد، ۱۳۸۳، مقاله هویت ملی، تاریخ، روایت، کتاب (هویت، ملیت، قومیت)، مجموعه مقالات گردآوری، حمید احمدی، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۲۲. یوسفی، علی، ۱۳۷۹، فرهنگ و هویت ایرانی، فرصتها و چالشها (میزگرد، فصلنامه مطالعات ملی)، شماره ۴.
۲۳. حاجیانی، ابراهیم، ۱۳۷۹، تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران «طرح چند فرضیه» فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۵.
۲۴. زهیری، علیرضا، ۱۳۸۱، انقلاب اسلامی و هویت ملی، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.
۲۵. وت، جوز، ۱۳۶۷، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین، پنج جلد، تهران: امیرکبیر، جلد دوم.
۲۶. مستقیمی، بهرام، ۱۳۸۵، فناوری اطلاعات و حاکمیت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱.
۲۷. همان.
۲۸. صدوقی، مرادعلی، ۱۳۸۲، تکنولوژیهای اطلاعاتی و حاکمیت ملی، تهران: وزارت امور خارجه.
۲۹. بشیریه، حسین، ۱۳۸۳، عقل در سیاست (سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی)، تهران: نگاه معاصر.
۳۰. صدوقی، همان.
۳۱. مستقیمی، همان.
۳۲. ویلیامز، مارس، ۱۳۷۹، بازاندیشی، در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت، ترجمه: اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۵۶ و ۱۵۵.
۳۳. مستقیمی، همان.
۳۴. همان.
۳۵. مستقیمی، همان.
۳۶. بشیریه، همان.
۳۷. شولت، یان آرت، ۱۳۸۲، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه: کرباسیان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۳۸. الطایی، همان.
۳۹. احمدی، حمید، ۱۳۷۸، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران، نشر نی.
۴۰. مقصودی، مجتبی، ۱۳۷۹، ارتباطات و تحولات قومی (بررسی نظری)، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۶.
۴۱. پیشگاهی فرد، زهرا، ۱۳۸۰، چشم‌اندازهای جغرافیایی در عصر جهانی شدن، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۱.
۴۲. احمدی، حمید، ۱۳۷۸، قوم‌گرایی و امنیت ملی در ایران، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی وزارت کشور.
۴۳. احمدی، حمید، ۱۳۸۱، جهانی شدن؛ هویت قومی یا هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی؛ سال سوم، شماره ۱۱.
۴۴. مقصودی، همان.
۴۵. درجزی، فریبرز، ۱۳۸۲، هویت ملی و جهانی شدن، نشریه مردم‌سالاری.
۴۶. صدوقی، همان.